

Wort de Tages لغت روز

(sich) gewöhnen (یک فعل انعکاسی می باشد

حرف اضافه آن an می باشد.

به معنی : انس گرفتن ، خو کردن ، عادت کردن

گذشته ساده : gewöhnten

گذشته کامل : hat gewöhnt / ist gewöhnt

Wir haben uns an die Arbeit gewöhnt

ما به آن کار عادت کرده ایم

ما به آن کار انس گرفته ایم

.Ich bin daran gewöhnt, früh aufzustehen

من به آن عادت کرده ام ، اول وقت از خواب بیدار بشم

توضیحات : همانطور که دیدید در جملاتمان حرف اضافه an را داشتیم ، پس به همان شکلی که ما در فارسی ، به چیزی انس

می گیریم در تفکر آلمانی در چیزی انس میگیریم است.

Woran? به چه چیزی ؟

daran به آن

نکته : در ارتباط با woran و daran می بایستی بگم شاید با افعال دیگر ما معانی دیگری داشته باشند ، اما با فعل gewöhnen

همان معانی بالا را دارند.

Er musste den Hund erst an sich gewöhnen

او باید در ابتدا آن سگ را به خودش عادت میداد.

Die Augen müssen sich erst an die Dunkelheit gewöhnen

چشم ها باید در ابتدا به تاریکی عادت کنند.

?Woran kannst du dich nicht gewöhnen

به چه چیزی نمی توانی تو عادت کنی ؟

.Vielleicht müssen wir uns nur daran gewöhnen

شاید ما باید فقط خودمان را به آن عادت بدهیم.

دیگر لغاتی که می توانیم از gewöhnen به دست بیاوریم ?

Die Gewohnheit عادت ، انس

.Er hat die Gewohnheit, morgens zuerst die Post zu erledigen

او (مذکر) آن عادت را دارد ، صبح ها در ابتدا نامه های پستی را به اتمام برساند

.Aus alter Gewohnheit treffen wir uns jeden Samstagabend

طبق یک عادت قدیمی ما هر شنبه شب یکدیگر را ملاقات میکنیم.
gewöhnlich طبق عادت ، معمولا ، اغلب ، هر روز (یک صفت می باشد)

.Um die Zeit ist er gewöhnlich zu Hause
در آن ساعت او معمولا درون خانه است.